



The Language of International Judicial Service in Civil Procedure and Some of its Challenges

Hassan Mohseni^{1✉} , Pouya Saebkia² 

1. Corresponding Author, Professor, Department of Private and Islamic Law, Faculty of Law and Political Science, University of Tehran, Tehran, Iran, Email: hmohseny@ut.ac.ir

2. MA. in Private Law, Faculty of Law and Political Science, University of Tehran, Tehran, Iran, Email: Pooyasaebkia23@Gmail.com

Article Info

Article type:
Research Article

Manuscript received:
30 June 2025
final revision received:
5 August 2025
accepted:
17 August 2025
published online:
14 October 2025

Keywords:

Language of Service,
International Service,
Language of Procedure,
Principle of Adversarial
Proceedings, Fair Trial.

Abstract

Where service is required outside Iran, the Iranian Code of Civil Procedure contains no specific provision regarding the language in which such service must be affected. Nevertheless, in accordance with the principle of adversarial proceedings, procedural documents must be served in a language that the recipient can understand. The appropriate language may be determined based on different criteria, among which the mixed (hybrid) criterion is considered the most suitable. Under this approach, the general rule is that, in international service, documents must be translated into the official language, or one of the official languages, of the country where the recipient resides—unless there is conclusive and irrefutable evidence demonstrating the recipient's knowledge of the language of the original documents. If the recipient refuses to accept service on the grounds that the documents are incomprehensible, the validity of such refusal must be assessed. If the refusal is deemed justified, the service is invalid and must be repeated with proper translation. Conversely, if the refusal is unjustified, the service remains valid. The court is responsible for handling the translation arrangements, and the applicant shall bear the associated costs. To minimize the risk of translation errors, a copy of the original documents should be attached alongside the translated version.

Cite this article: Mohseni, Hassan; Saebkia, Pouya. (2025, Autumn) "The Language of International Judicial Service in Civil Procedure and Some of its Challenges", Private Law Studies, 55(3): 455 – 478. DOI: <https://doi.com/10.22059/JLQ.2025.395484.1007992>



© The Author(s). **Publisher:** University of Tehran
<https://doi.com/10.22059/JLQ.2025.395484.1007992>

Introduction

In Iran's judicial system, court documents are served in Persian. However, in international cases—such as serving Iranian court documents abroad or foreign court documents within Iran—determining the appropriate language becomes challenging due to legal silence and the lack of comprehensive judicial assistance agreements. This research examines the criteria for determining the language of service and proposes legal solutions.

Personal Criterion (Characteristics of the Recipient): The language is determined based on the recipient's identity, profession, and actual circumstances. Advantage: High accuracy and ensures the recipient's understanding. Disadvantage: Slow process due to diverse factors and lack of sufficient information.

Territorial Criterion (Language of the Recipient's Country): The official language of the recipient's country of residence is used. Advantage: Faster execution. Disadvantage: Risk of abuse, as recipients may falsely claim ignorance of the language to avoid service.

Hybrid Criterion (Combination of Personal and Territorial): Documents are translated into the official language of the recipient's country unless there is clear evidence that the recipient understands the language of the court (Persian). Advantage: Balances speed and accuracy.

Proposed Rule: The hybrid approach should be adopted—documents must be translated into the official language of the recipient's country unless proven otherwise. If the recipient refuses service due to language barriers, the court must verify the legitimacy of the refusal. A justified refusal (due to incomprehensible language) invalidates the service, as understanding the content is a procedural requirement. An unjustified refusal does not affect validity, and the service date remains the starting point for legal deadlines.

Translation Costs: The requesting party bears translation costs. If unpaid, Article 259 of the Civil Procedure Code applies. However, enforcing payment for translating judgments lacks a clear legal mechanism, necessitating legislative reform.

Risk of Translation Errors: Providing both the original and translated copies allows recipients to compare and correct errors, though failure to do so does not invalidate service.

Service to an Iranian Attorney: No translation is required for an Iranian attorney representing a foreign party, as non-Iranians cannot litigate in Iranian courts (except in military cases).

Initial Service without Translation: Some argue that initial service abroad may not require translation if the recipient might understand Persian or accept untranslated documents. However, this view is criticized for undermining procedural fairness.

Method

This study employs a library-based approach, analyzing legal sources and judicial precedents.

Conclusion

The lack of clear regulations on international service of process creates challenges, including potential delays and procedural abuses. Adopting the hybrid criterion ensures both efficiency and fairness. Legal reforms should address gaps, such as enforcing translation cost payments and standardizing procedures to uphold the principles of fair trial and due process. Courts must verify language proficiency in international service cases, prioritize translation when necessary, and ensure compliance with fair trial standards while minimizing procedural delays.



زبان ابلاغ قضایی بین‌المللی در آیین دادرسی مدنی و برخی چالش‌های آن

حسن محسنی^۱ ✉، پویا صائب کیا^۲

۱. نویسنده مسئول: استاد گروه حقوق خصوصی و اسلامی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، تهران، ایران،
rahmohseny@ut.ac.ir

۲. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، تهران، ایران، رایانامه:
Pooyasaebkia23@Gmail.com

چکیده

اطلاعات مقاله

نوع مقاله:

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:

۱۴۰۴/۴/۱۰

تاریخ بازنگری:

۱۴۰۴/۵/۱۵

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۴/۵/۲۷

تاریخ چاپ:

۱۴۰۴/۷/۲۳

اگر نیاز به انجام ابلاغ در بیرون ایران باشد، در قانون آیین دادرسی مدنی هیچ حکم خاصی درباره زبان ابلاغ نیست؛ به اقتضای اصل تقابلی بودن دادرسی، برگه‌های دادگاه را باید به زبانی ابلاغ کرد که برای مخاطب قابل فهم است. زبان قابل فهم برای مخاطب ابلاغ با معیارهای متفاوتی تعیین می‌شود و مناسب‌ترین آنها معیار آمیخته است. با اعمال معیار آمیخته این قاعده کلی به دست می‌آید که در ابلاغ‌های بین‌المللی، بنابر اصل باید اوراق دادرسی را به زبان رسمی یا یکی از زبان‌های رسمی کشور محل اقامت مخاطب ابلاغ ترجمه کرد، مگر آنکه با دلیلی انکارناپذیر، بتوان آگاهی وی را از زبان دادرسی اثبات کرد. در صورتی که مخاطب ابلاغ با طرح ایراد نامفهوم بودن زبان برگه‌ها، از قبول ابلاغ امتناع ورزد، باید موجه بودن این امتناع احراز شود؛ اگر امتناع موجه بود، ابلاغ معتبر نیست و پس از ترجمه، دستور تکرار ابلاغ صادر می‌شود و در صورت ناموجه بودن امتناع، ابلاغ صحیح خواهد بود. تکلیف انجام تشریفات ترجمه با دادگاه و پرداخت هزینه‌ها بر عهده متقاضی است. به سبب احتمال وقوع اشتباه در ترجمه، پیوست شدن نسخه‌ای از اوراق به زبان اصلی اقدامی مناسب خواهد بود.

کلیدواژه‌ها:

ابلاغ بین‌المللی، اصل تقابلی

بودن دادرسی، دادرسی عادلانه،

زبان ابلاغ، زبان دادرسی.

استناد: محسنی، حسن؛ صائب کیا، پویا (۱۴۰۴، پاییز). «زبان ابلاغ قضایی بین‌المللی در آیین دادرسی مدنی و برخی چالش‌های آن». *مطالعات حقوق خصوصی*، ۵۵(۳)، ۴۷۸ - ۴۵۵.
DOI: <https://doi.com/10.22059/JLQ.2025.395484.1007992>



© نویسندگان.

ناشر: موسسه انتشارات دانشگاه تهران

مقدمه

ابلاغ درست یکی از ارکان اصلی دادرسی عادلانه و فرایندی برای اطلاع مخاطب از یک اقدام قضایی است. به عنوان یک قاعده کلی گفته شده است که هیچ یک از اعمال آیین دادرسی معتبر نیست مگر اینکه مسبوق به ابلاغ صحیحی باشد و بدون انجام ابلاغ صحیح، هر عمل آیین دادرسی محکوم به بطلان است (Cayrol, 2022: 715-716).

زبان ابلاغ گاه از چالش‌های دادگستری بوده و سکوت قانون و عدم الحاق به معاهدات بین‌المللی، بلامتکلیفی و اطالۀ طاقت‌فرسای رسیدگی به پرونده‌هایی را سبب شده است که در آنها دست‌کم یکی از اصحاب دعوا در ایران سکونت ندارد (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۹: ۵۱). زبان در ابلاغ اوراق دادگاه‌های داخلی به ساکنین ایران مشکل‌ساز نیست؛ برگه ابلاغیه و همه اسناد و مدارک پیوست آن به حکم قانون (اصل ۱۵ قانون اساسی، مواد ۵۱ و ۵۸ قانون آیین دادرسی مدنی و بند الف ماده ۲ قانون راجع به ترجمه اظهارات و اسناد در محاکم و دفاتر رسمی مصوب ۱۳۱۶)، به زبان فارسی تنظیم یا ترجمه شده و سپس به همان زبان نیز به مخاطب، ابلاغ خواهد شد و از این حیث فرقی میان اتباع ایرانی و بیگانه نیست، زیرا همه ساکنان ایران تابع قوانین ایران هستند (ماده ۵ قانون مدنی).

با وجود این در ابلاغ اوراق دادگاه‌های ایرانی در قلمرو کشورهای خارجی و نیز در ابلاغ اوراق دادگاه‌های خارجی در قلمرو ایران، وضع بدین گونه نیست و دیده شده که تعیین زبان ابلاغ بین‌المللی گاه با مشکلاتی مواجه شده است (گزارش نشست پژوهشی، ۱۳۹۷: ۲۰).

در مقررات قانون آیین دادرسی مدنی و نیز قانون راجع به ترجمه اظهارات و اسناد در محاکم و دفاتر رسمی و آیین‌نامه اجرایی آن و هیچ یک از سایر مقررات جاری، حکم خاصی در مورد زبان ابلاغ بین‌المللی وجود ندارد (محسنی، ۱۳۹۷: ۳۳۷-۳۳۸). حتی در دستورالعمل ساماندهی و تسریع در فرایند امور قضایی بین‌المللی مصوب ۱۴۰۲ رئیس قوه قضاییه نیز به زبان ابلاغ بین‌المللی توجهی نشده و صرفاً در برخی از موافقت‌نامه‌های معاضدت قضایی منعقدۀ میان دولت ایران و برخی کشورها، احکام پراکنده‌ای در این باره آمده است. از آنجا که در موارد ابهام، اجمال و سکوت مقررات آیین دادرسی ترجیح است که از اصول دادرسی در جهت جبران خلأ قانون بهره برد (محسنی، ۱۳۸۵: ۱۲۳)، در این باره نیز برای رفع سرگردانی باید قاعده برخاسته از اصول دادرسی عادلانه را یافت.

ابلاغ به عنوان رکن اساسی هر دادرسی، در اصل حقوق دفاعی و اصل تقابلی بودن ریشه دارد (محسنی، ۱۳۹۷: ۳۲۲) و اصل اخیر متشکل از سه رکن آگاهی، گفت‌وگو و ادله است (محسنی، ۱۳۹۳: الف: ۲۲۴) و اهمیت ابلاغ نیز در همین است که ضامن آگاهی اصحاب دعوا از روند رسیدگی و انجام دادرسی به نحو تقابلی است (نهرینی، ۱۳۹۸: ۲۴۸).

بر اساس نتایج پژوهش‌های پیشین ابلاغ بین‌المللی با اتکا به اصل رعایت حقوق دفاعی باید به زبانی صورت پذیرد که مخاطب آن را می‌فهمد (محسنی، ۱۳۹۷: ۲۳۷). البته باید در نظر داشت که در ابلاغ اوراق دادگاه‌های داخلی به ایرانیان ساکن خارج از کشور نیز امر ابلاغ با مانع زبانی روبه‌رو نیست؛ زیرا داشتن تابعیت ایرانی، ظهور در آگاهی مخاطب از زبان دادگاه رسمی ایران دارد و ظاهراً در رویه عملی ابلاغ‌های بین‌المللی نیز در صورتی که مخاطب ابلاغ یا همسر او ایرانی باشد، اوراق دادرسی را بدون انجام ترجمه برای او ارسال می‌کنند (گزارش نشست پژوهشی، ۱۳۹۷: ۱۱).

در نهایت اگرچه دستاورد پژوهش‌های پیشین آن است که زبان ابلاغ بین‌المللی باید زبانی باشد که مخاطب آن را می‌فهمد، اما این ابهام هنوز باقی است که در تعیین زبانی که مخاطب می‌فهمد باید از چه معیاری بهره برد و از طرفی نیز سکوت مقررات آیین دادرسی، شیوه ترجمه و ارسال اوراق دادرسی جهت ابلاغ در کشور خارجی و حقوق و تکالیف اطراف دادرسی را در پیوند با زبان ابلاغ بین‌المللی در وضعیت نامعلومی باقی می‌گذارد.

گستره این تحقیق، تنها به ابلاغ اسناد و اوراق قضایی ایرانی در بیرون کشور به مخاطب خارجی اختصاص دارد که یا کشور محل ابلاغ با ایران موافقت‌نامه همکاری قضایی بین‌المللی ندارد یا اینکه گیرنده ابلاغیه در ایران وکیل ایرانی ندارد. در فرض دیگر مانند ابلاغ اوراق و برگه‌های قضایی کشورهای خارجی در ایران، حسب مورد باید برابر موافقت‌نامه بین‌المللی یا قواعد کلی مربوط به نیابت قضایی بین‌المللی عمل کرد و اگر چنان قراردادی نیز در میان نباشد، موضوع تابع رفتار متقابل یا نزاکت بین‌المللی است که در هر حال از گستره این مقاله بیرون است و باید در نوشته دیگری بدان پرداخت.

در این نوشته کوشش شده تا با بهره‌گیری از احکام مقرر در قوانین، معاهدات، و نمونه‌های بین‌المللی موجود، معیار دقیقی برای تعیین زبان ابلاغ بین‌المللی برگزیده شود و راه‌حل مناسبی برای برون‌رفت از برخی چالش‌های این نوع از ابلاغ ارائه شود.

در ادامه ابتدا معیارهای موجود در تعیین زبان ابلاغ بین‌المللی را شناسایی می‌کنیم و معیار مناسب را از میان آنها برمی‌گزینیم و سپس ضمن بررسی برخی چالش‌های مرتبط با زبان ابلاغ بین‌المللی، برای هر کدام در جست‌وجوی راهکار برمی‌آییم.

۱. معیار تعیین زبان ابلاغ بین‌المللی

تعیین زبان ابلاغ بین‌المللی با معیار ناظر بر ویژگی‌های شخصی مخاطب ابلاغ، معیار ناظر بر زبان کشور محل اقامت مخاطب ابلاغ و معیار آمیخته، امکان‌پذیر است و در این نوشته با

بهره‌گیری از مفاد قوانین، معاهدات، موافقت‌نامه‌ها و نمونه‌های بین‌المللی، مناسب‌ترین معیار را انتخاب و معرفی خواهیم کرد.

۱.۱. معیار ناظر بر ویژگی‌های شخصی مخاطب ابلاغ

در این معیار با لحاظ ویژگی‌های شخصی مخاطب ابلاغ، تحقیق می‌شود که با توجه به عناصر واقعی نظیر مدت اقامت او در یک کشور معین، زبان اسنادی که وی در تنظیم آنها مشارکت داشته، توجه به اینکه مخاطب ابلاغ شهروند کدام کشور است، شغل و حرفه او چیست و غیره، دقیقاً چه زبانی برای وی قابل فهم است.

این شیوه برای تعیین زبان ابلاغ با وجود دقت و تطبیق‌پذیری بالا، رایج نیست و کوشش نگارندگان در بررسی معاهده آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۹۵۴ لاهه، کنوانسیون راجع به ابلاغ اوراق قضایی و فراقضایی در موضوعات مدنی و تجاری در خارج از کشور مصوب ۱۹۶۵ میلادی لاهه، موافقت‌نامه‌های معاضدت قضایی منعقد فیما بین دولت ایران و سایر دولت‌ها، اصول آیین دادرسی مدنی فراملی، قواعد اروپایی آیین دادرسی مدنی و مقرره (UE) ۱۷۸۴/۲۰۲۰ پارلمان اروپا و شورای ۲۵ نوامبر ۲۰۲۰ درباره ابلاغ اوراق قضایی و فراقضایی در امور مدنی یا تجاری در کشورهای عضو، به‌خوبی نشان می‌دهد که برای تعیین زبان ابلاغ بین‌المللی به این‌گونه ویژگی‌ها به‌تنهایی توجهی نشده است.

۲.۱. معیار ناظر بر زبان کشور محل اقامت مخاطب ابلاغ

در این معیار ابتدا مخاطبان ابلاغ بر اساس کشور محل اقامت آنها دسته‌بندی می‌شوند و سپس زبانی که برای ساکنان آن کشور معین قابل فهم است، شناسایی شده و به‌عنوان زبان ابلاغ انتخاب می‌شود. در ادامه مهم‌ترین مصادیق انتخاب این معیار در تعیین زبان ابلاغ بین‌المللی بررسی می‌شود.

۱.۲.۱. در معاهده آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۹۵۴ لاهه^۱

مطابق ماده سوم این معاهده، سند موضوع ابلاغ یا باید به زبان کشور درخواست‌شونده یا به زبان مورد توافق دو کشور ذی‌نفع تنظیم شده باشد و یا ترجمه تاییده شده یکی از آن دو زبان را به پیوست داشته باشد (به نقل از: محسنی، ۱۳۹۶: ۹۶). تدوین‌کنندگان این معاهده، زبان ابلاغ‌های بین‌المللی را با معیار نوعی زبان کشور محل اقامت مخاطب ابلاغ برگزیده‌اند؛ یعنی در نظر

1. Convention du premier mars 1954 relative à la procédure civile

تدوین‌کنندگان، اقامت مخاطب ابلاغ در کشور درخواست‌شونده، ملازمه عرفی با آشنایی او با زبان آن کشور دارد. البته در این معاهده توافق بین دولت‌های عهده‌دار امر ابلاغ در تعیین زبان ابلاغ بین‌المللی، می‌تواند بر مخاطبان ابلاغ تحمیل شود.

۲.۲.۱. در کنوانسیون راجع به ابلاغ اوراق قضایی و فراقضایی در موضوعات مدنی و

تجاری در خارج از کشور مصوب ۱۹۶۵ میلادی^۱

برابر ماده ۵ این کنوانسیون در صورت صلاحدید مقام صلاحیت‌دار کشور درخواست‌شونده، اوراق موضوع ابلاغ به زبان رسمی یا یکی از زبان‌های رسمی کشور درخواست‌شونده تنظیم و یا ترجمه می‌شود. در این کنوانسیون نیز مفروض آن است که سکونت مخاطب ابلاغ در قلمرو کشور درخواست‌شونده، ملازمه عرفی با آشنایی او با زبان رسمی یا با یکی از زبان‌های رسمی آن کشور دارد. با وجود این، ایراد مقرره آنجاست که انجام ترجمه را به صلاحدید مقام رسمی کشور درخواست‌شونده می‌داند. اگر منتفع اصلی امر ابلاغ شخص مخاطب است، توجیهی ندارد که به مقام صلاحیت‌دار کشور درخواست‌شونده چنان اختیاری اعطا شود تا پیش از ارائه اوراق به مخاطب، در مورد تعیین زبان اوراق مزبور به صلاحدید خود تصمیم بگیرد. این رویه از سرعت امر ابلاغ می‌کاهد و حقوق دفاعی مخاطب ابلاغ را نیز به‌خوبی تضمین نخواهد کرد و می‌تواند به تحمیل اراده مقام صلاحیت‌دار کشور درخواست‌شونده به مخاطب ابلاغ منجر شود.

۳.۲.۱. در برخی موافقت‌نامه‌های معاضدت قضایی میان دولت ایران و دیگر کشورها

در موافقت‌نامه‌های معاضدت قضایی میان دولت ایران و دیگر دولت‌ها رویکرد یکسانی دیده می‌شود و تقریباً در همه نمونه‌ها، معیار تعیین زبان ابلاغ بین‌المللی، معیار ناظر بر زبان کشور محل اقامت مخاطب ابلاغ است.

در بیشتر موافقت‌نامه‌ها توافق شده است که اوراق موضوع ابلاغ به زبان کشور درخواست‌شونده ترجمه شود؛ نمونه‌هایی از این مقررات را می‌توان در چند موافقت‌نامه دید مانند ماده ۹ موافقت‌نامه بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت فدراسیون روسیه جهت معاضدت در پرونده‌های مدنی و جزایی مصوب ۱۳۷۸، ماده ۸ موافقت‌نامه معاضدت حقوقی در امور مدنی و جزایی بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری قرقیزستان مصوب ۱۳۸۶، ماده ۹ معاهده معاضدت حقوقی در زمینه امور مدنی و کیفری بین دولت جمهوری اسلامی ایران و جمهوری بلاروس مصوب ۱۳۸۷، ماده ۷ موافقت‌نامه همکاری حقوقی در امور مدنی و کیفری

1. Convention of 15 November 1965 on the service abroad of judicial and extrajudicial documents in civil or commercial matters

بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری ارمنستان مصوب ۱۳۸۷ و ماده ۷ موافقتنامه همکاری حقوقی در امور مدنی و کیفری بین جمهوری اسلامی ایران و جمهوری ترکیه مصوب ۱۳۸۹. البته در معدود مواردی نیز چنین توافق شده که دولت درخواست کننده بتواند علاوه بر زبان کشور درخواست شونده، اوراق موضوع را ابلاغ به زبان سوم مورد وفاق کشورهای طرف موافقتنامه تنظیم کند. همچنین نمونه‌هایی از این دست را می‌توان در نمونه‌های دیگر دید مانند ماده ۵ موافقتنامه معاضدت و روابط قضایی بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری قزاقستان مصوب ۱۳۸۴، ماده ۸ موافقتنامه معاضدت قضایی در زمینه امور حقوقی و تجاری بین جمهوری اسلامی ایران و جمهوری تونس مصوب ۱۳۸۷، ماده ۵ تصویب‌نامه در خصوص امضای موقت موافقتنامه‌های معاضدت قضایی در امور مدنی و کیفری بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری فدراتیو برزیل مصوب ۱۳۹۵، ماده ۴ موافقتنامه همکاری قضایی در امور مدنی و تجاری در امور مدنی بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری دموکراتیک خلق الجزایر مصوب ۱۳۹۱ و ماده ۴ موافقتنامه معاضدت حقوقی در امور مدنی و کیفری بین جمهوری اسلامی ایران و بوسنی و هرزگوین مصوب ۱۳۹۱.

۳.۱. معیار آمیخته

در تعیین زبان ابلاغ بین‌المللی با بهره‌گیری از معیار آمیخته، رویکردی بینابینی از معیار ویژگی‌های شخصی و معیار زبان کشور محل اقامت مخاطب ابلاغ پدید می‌آید؛ در این معیار در کنار ضابطه زبان کشور محل اقامت مخاطب ابلاغ، احراز و اثبات تسلط مخاطب بر زبان اوراق دادرسی با توسل به عناصر واقعی (ضابطه شخصی) میسر می‌شود؛ در ادامه مهم‌ترین مصادیق انتخاب معیار آمیخته در تعیین زبان ابلاغ بین‌المللی بررسی خواهد شد.

۱.۳.۱. در اصول آیین دادرسی مدنی فراملی

در بند ۲ اصل ۵ اصول آیین دادرسی مدنی فراملی مصوب ۲۰۰۴ (دو مؤسسه حقوق آمریکا و یکنواخت کردن حقوق خصوصی رم)، در وهله نخست مخاطبان ابلاغ بین‌المللی به اشخاص حقیقی و حقوقی تقسیم شده‌اند؛ سپس درباره اشخاص حقیقی چنین آمده است که اوراق دادرسی باید به زبان کشور مقر دادگاه و همچنین زبان کشور محل اقامت شخص مخاطب تنظیم و یا ترجمه شده باشد و درباره اشخاص حقوقی نیز چنین مقرر شده است که اوراق باید به زبان کشور مرکز اصلی فعالیت‌های آن شخص یا به زبانی که مدارک اصلی موضوع دعوا را به آن نوشته‌اند، تنظیم و یا ترجمه شود (غمامی و محسنی، ۱۳۹۶: ۷۳). موضع این مقرر از آن حیث که می‌پذیرد اصولاً

زبان کشور محل اقامت مخاطب ابلاغ برای او قابل فهم است، با موضع معاهداتی که پیشتر بررسی شد یکسان است. با وجود این، از آن حیث که درباره اشخاص حقوقی، ابلاغ اوراق دادرسی را به زبان مدارک اصلی موضوع دعوا معتبر می‌داند، از معاهدات مزبور متمایز می‌شود؛ در بند ۲ اصل ۵ اصول آیین دادرسی مدنی فراملی علاوه بر معیار نوعی زبان کشور محل اقامت مخاطب ابلاغ، استثنائاً در خصوص اشخاص حقوقی، ابلاغ اوراق دادرسی به زبان مدارک اصلی دعوا معتبر است.

۲.۳.۱. در قواعد اروپایی آیین دادرسی مدنی

در بند ۱ ماده ۸۲ از این قواعد که مصوب مؤسسه حقوق اروپایی و مؤسسه یکنواخت کردن حقوق خصوصی رم است، به زبان ابلاغ اوراق دادرسی به اشخاص حقیقی پرداخته شده و بند ۲ به ابلاغ اوراق مزبور به اشخاص حقوقی اختصاص یافته است (شایگان، ۱۴۰۲: ۱۱۳). به موجب بند ۱ اصولاً در انجام امر ابلاغ به اشخاص حقیقی، باید علاوه بر یک نسخه از اوراق دادرسی به زبان کشور مقر دادگاه، نسخه‌ای نیز به زبان کشور عضو اتحادیه اروپا که محل اصلی سکونت مخاطب در آنجاست تنظیم شود؛ مگر اینکه مخاطب به روشنی قادر به درک زبان کشور رسیدگی‌کننده باشد. شیوه نگارش قسمت آغازین این بند چنین به نظر می‌رسد که اگر شخص حقیقی مخاطب ابلاغ به فعالیت حرفه‌ای مستقلی اشتغال داشته باشد، می‌توان اوراق دادرسی را به زبان همان فعالیت حرفه‌ای به او ابلاغ کرد. برابر بند ۲ همان ماده نیز قاعده‌تاً باید اوراق دادرسی را هم به زبان کشور مقر دادگاه و هم به زبان کشور عضو اتحادیه اروپا که اقامتگاه یا مرکز اصلی فعالیت‌های شخص حقوقی در آنجا قرار دارد، به مخاطب ابلاغ کرد. در این بند به‌طور استثنایی ابلاغ اوراق دادرسی به زبان مدارک اصلی مربوط به فعالیت‌های مورد اختلاف به شخص حقوقی مخاطب ابلاغ، پذیرفته شده است.

موضع این مقرره نیز از آن حیث که معیارش نوعی است و به زبان کشور محل اقامت مخاطب ابلاغ که برای او قابل فهم است توجه می‌کند، با موضع معاهداتی که پیشتر بررسی شد و نیز با اصل ۵ اصول آیین دادرسی مدنی فراملی همسویی دارد. با وجود این، وجه تمایز این ماده با مقررات پیشین آن است که هم درباره اشخاص حقیقی و هم اشخاص حقوقی، امکان اثبات آگاهی مخاطب ابلاغ را با توسل به عناصر واقعی و شخصی، پذیرفته است. همچنین نقطه قوت این مقرره نسبت به اصل ۵ اصول آیین دادرسی مدنی فراملی آنجا است که در ماده ۸۲ قواعد اروپایی آیین دادرسی مدنی، معیار آمیخته تعیین زبان ابلاغ، هم درباره اشخاص حقیقی و هم اشخاص حقوقی رعایت شده است.

۳.۳.۱. ۳۰.۳.۱. در مقرره (UE) ۱۷۸۴/۲۰۲۰ پارلمان اروپا و شورای ۲۵ نوامبر ۲۰۲۰ در مورد ابلاغ اوراق قضایی و فراقضایی در امور مدنی با تجاری در کشورهای عضو^۱

برابر ماده ۱۲ این سند در ابلاغ‌های بین‌المللی در سطح اتحادیه اروپا، اصل بر آن است که اوراق باید به زبان رسمی یا یکی از زبان‌های رسمی کشور محل اقامت مخاطب ابلاغ ترجمه و یا تنظیم شود، مگر آنکه دلیل انکارناپذیری برای اثبات آگاهی مخاطب ابلاغ از زبان اوراق دادرسی در دست باشد که در این صورت ترجمه ضروری نیست.

وجه تمایز معیار آمیخته برگزیده در این مقرره، با معیارهای مختلط پیشین آن است که در ماده ۱۲ مقرره، دلایل اثبات آگاهی مخاطب ابلاغ از زبان دادرسی محدود به موارد حصری نشده است و متقاضی ابلاغ خواهد توانست با ارائه هر دلیل انکارناپذیری، آگاهی مخاطب را از زبان دادرسی به اثبات رساند. این در حالی است که در احکام مقرر در اصول آیین دادرسی مدنی فراملی و قواعد اروپایی آیین دادرسی مدنی، دلایل اثبات آگاهی مخاطب از زبان دادرسی، منحصر به دلایل مصرح در اصول و مواد مزبور شده بود.

۴.۱. ۴۰.۱. گزینش معیار و کوشش برای رسیدن به قاعده

در مقام گزینش معیار و استخراج قاعده کلی برای زبان ابلاغ بین‌المللی باید در دیدگان داشت که هر قاعده‌ای که برای ابلاغ وضع می‌شود به‌طور مشخص باید واجد دو وصف باشد: نخست: آگاهی مخاطب را از مفاد ابلاغ تضمین کند و

دوم: قاعده مزبور نباید به تضمین حقوق دفاعی مخاطب ابلاغ توجه بیش‌ازحد داشته باشد و به‌بهای تضمین آگاهی مخاطب ابلاغ، اصل انجام دادرسی در زمان معقول را مختل سازد. آنچنان که برخی دادرسی‌دانان نیز تأکید کرده‌اند (شمس، ۱۳۹۷، ش ۱۳۱: ۷۱) چراکه کندی ابلاغ سبب اطاله دادرسی و کندی دادگستری است (متین‌دفتری، ۱۳۹۴، ش ۱۳۸: ۳۴۸) و قاعده خوب برای ابلاغ آن است که هم دقیق و هم سریع باشد.

استفاده از معیار ناظر بر ویژگی‌های شخصی مخاطب اگرچه هدف آگاهی مخاطب از مفاد اوراق موضوع ابلاغ را بهتر تأمین می‌کند، اما در عمل انجام امر ابلاغ را کند یا متوقف می‌کند؛ همچنین در توسل به این معیار، به‌سبب فراوانی و گوناگونی بیش‌ازحد عناصر تأثیرگذار، احتمال

1. RÈGLEMENT (UE) 2020/1784 DU PARLEMENT EUROPÉEN ET DU CONSEIL du 25 novembre 2020 relatif à la signification et à la notification dans les États membres des actes judiciaires et extrajudiciaires en matière civile ou commerciale (signification ou notification des actes)

وقوع اشتباه بسیار و سرعت تشخیص کم است و حتی در بسیاری از موارد که دادگاه اطلاعات هویتی جامعی از مخاطب در اختیار ندارد، تعیین زبان ابلاغ با این ضابطه میسر نخواهد بود. ایراد توسل بیش‌ازحد به معیار ناظر بر زبان کشور محل اقامت مخاطب نیز آن است که به نهاد ابلاغ، موضوعیت اغراق‌شده‌ای می‌دهد و ابلاغ را از آن طریقتی که برخی حقوقدانان تأکید کرده‌اند و در ماده ۸۳ قانون آیین دادرسی مدنی مدنظر بوده، دور می‌سازد (نهرینی، ۱۳۹۸: ۲۵۶-۲۵۷). به بیان دیگر، پافشاری بر این امر که اوراق موضوع ابلاغ در هر حال باید به کشور محل اقامت مخاطب خارجی ترجمه شود، به مخاطب ابلاغی که زبان دادگاه صادرکننده ابلاغیه را می‌فهمد اجازه می‌دهد که به‌عمد با هدف ایجاد اطاله، ادعای ناآگاهی از مفاد اوراق را مطرح سازد.

همچنین باید رویکرد ناصوابی را که توافق دولت‌های درخواست‌کننده و درخواست‌شونده در خصوص تعیین زبان ابلاغ‌های بین‌المللی صحیح می‌شمارد و زبان سوم توافق‌شده میان حاکمیت‌ها را به مخاطبان ابلاغ در کشور درخواست‌شونده تحمیل می‌کند، کنار گذاشت؛ زیرا این رویکرد بیش از آنکه به ضرورت تضمین آگاهی مخاطب از مفاد سند موضوع ابلاغ توجه داشته باشد، به نظر، رفع نگرانی‌ها و حساسیت‌های حاکمیتی را در جهت بازرسی و پایش مفاد اسناد موضوع ابلاغ مدنظر قرار داده است (برای مطالعه بیشتر ر.ک: گزارش نشست پژوهشی، ۱۳۹۷: ۲۵). افزون بر این، تنها در صورتی با اصل ضرورت ابلاغ اوراق دادرسی به زبان قابل فهم برای مخاطب خارجی هم‌سویی خواهد داشت که زبان سوم مورد توافق دو کشور ذی‌نفع، زبانی باشد که برای عموم اشخاصی که در آن کشورها اقامت دارند قابل فهم باشد که این امر دور و تقریباً محال است. از این‌رو به باور نگارندگان معیار آمیخته برای تعیین زبان ابلاغ بین‌المللی به جهت آنکه هم واجد وصف دقت و هم سرعت است، با ماهیت و معنای کلی قوانین و مقررات حاکم بر نهاد ابلاغ سازگاری بیشتری دارد.

بر این بنیاد، با اعمال معیار مزبور این قاعده عمومی به‌دست می‌آید که «در ابلاغ‌های بین‌المللی قاعده‌تاً باید اوراق دادرسی را به زبان رسمی یا یکی از زبان‌های رسمی کشور محل اقامت مخاطب ابلاغ ترجمه کرد مگر آنکه دلیل انکارناپذیری آگاهی او را از زبان دادرسی به اثبات رساند».

۲. برخی چالش‌های مرتبط با زبان ابلاغ بین‌المللی

بررسی چالش‌های مرتبط با زبان ابلاغ بین‌المللی و ارائه راهکار جهت برون‌رفت از آنها موضوع این نوشته است؛ برای این کار رویکردهای موجود در قوانین، معاهدات، نمونه‌های بین‌المللی و رویه‌های معمول در سایر کشورها بررسی می‌شود.

۱.۲. رد ابلاغ به دلیل مغایرت زبان

هنگامی که مخاطب ابلاغ بین‌المللی با این عذر که زبان اوراق دادرسی را نمی‌فهمد، از قبول ابلاغ امتناع می‌کند و برگه‌ها به دفتر دادگاه بازپس فرستاده می‌شود، باید درباره اعتبار چنین ابلاغی تصمیم‌گیری شود.

در حقوق آیین دادرسی ایران قاعده کلی این است که اجبار مخاطب به قبول ابلاغ امکان‌پذیر نیست و حتی در فرضی که تمام تشریفات ابلاغ مطابق قانون رعایت شده باشد، مخاطب می‌تواند بدون داشتن هیچ عذر موجهی از قبول اوراق امتناع ورزد؛ این امتناع موجب بی‌اعتباری ابلاغ نیست، زیرا مطابق قسمت آخر ماده ۶۸ قانون آیین دادرسی مدنی، در صورت امتناع مخاطب ابلاغ از گرفتن اوراق، مأمور ابلاغ باید مراتب را در برگ اخطاریه قید کرده و اوراق را به دادگاه اعاده کند و بر طبق تبصره ماده ۸۱ همان قانون، تاریخ امتناع مخاطب از قبول اوراق، تاریخ ابلاغ محسوب می‌شود. تفاوت دیدگاه حقوقدانان نیز در این فرض نه در مورد اعتبار ابلاغ، که درباره نوع ابلاغ است (شمس، ۱۳۹۷، ش ۱۴۸؛ ۸۶؛ نهرینی، ۱۳۹۸: ۲۶۰).

اینک چنانچه در مقام تصمیم‌گیری درباره اعتبار این نوع ابلاغ، قاعده کلی به کار گرفته شود، باید چنین نظر داد که اگر مخاطب ابلاغ بین‌المللی به عذر نامفهوم بودن زبان اوراق از قبول ابلاغ امتناع کند، این امتناع خللی بر اعتبار ابلاغ وارد نمی‌کند. این دیدگاه پذیرفتنی نیست؛ زیرا اگر غرض از انجام ابلاغ آگاهی مخاطب از اقدامات قضایی است، دستیابی به این هدف مستلزم آن است که وسیله ابلاغ به شکلی باشد که در تضمین این آگاهی کارا باشد. از طرفی، رعایت اصل تقابلی بودن دادرسی ایجاب می‌کند که ادعا و دلایل مثبت ادعای خواهان به طور قابل فهم در اختیار خواننده قرار بگیرد تا با ارزیابی ادعا و دلایل آن، دفاعی مناسب تدارک فراهم کند. از این رو اجبار مخاطب ابلاغ به قبول اوراقی که زبان آنها را در نمی‌یابد، عنصر آگاهی را به عنوان مقدمه مشارکت مؤثر در دادرسی، خدشه‌دار می‌کند و با نبود آگاهی صحیح نسبت به موضوع، امکان ارائه دفاعیات متناسب از ناحیه مخاطب ابلاغ منتفی می‌شود. در این وضعیت رأی دادگاه به جهت عدم رعایت اصول دادرسی درخور نقض خواهد بود (به استناد بند ۳ ماده ۳۷۱ قانون آیین دادرسی مدنی).

همچنین بنابر اصل، نقص تشریفات راجع به ابلاغ، موجب بی‌اعتباری ابلاغ است مگر در صورتی که مخاطب علی‌رغم وجود نقص، اقدام به دفاع ماهوی کند (محسنی، ۱۳۹۳: ۱۴۴؛ بروجردی عبده، ۱۴۰۱: ۱۶۱). در مقام شناسایی این نواقص باید در نظر داشت که تشریفات ابلاغ صرفاً محدود به موارد مصرح در قانون نیست و مفهومی وسیع‌تر دارد (شمس، ۱۳۹۷، ش ۱۷۶: ۱۰۰)؛ یعنی برخی

موارد جز تشریفات ابلاغ به‌شمار می‌روند بدون آنکه به‌صراحت در قانون پیش‌بینی شده باشند. بی‌شک زبان ابلاغ بین‌المللی را نیز باید از مهم‌ترین تشریفات ابلاغ دانست، زیرا قابل فهم نبودن زبان برگه‌ها برای مخاطب ابلاغ، موجب نقض غرض قانونگذار از پیش‌بینی مقررات ابلاغ است. در ماده ۱۷۳ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ نیز مأمور ابلاغ وظیفه دارد که مفاد احضاریه را به مخاطب بی‌سواد ابلاغ تفهیم نماید و این بدان معنا است که در نظر قانونگذار صرف رساندن برگه‌ها به دست مخاطب ابلاغی که قادر به خواندن اوراق نیست، کافی نیست.

این دیدگاه با مقررات بین‌المللی (منطقه‌ای) نیز همسوست؛ مطابق ماده ۱۲ مقرر (UE) ۱۷۸۴/ ۲۰۲۰ پارلمان اروپا و شورای ۲۵ نوامبر ۲۰۲۰ در مورد ابلاغ اوراق قضایی و فراقضایی در امور مدنی یا تجاری در کشورهای عضو، در صورتی که اوراق موضوع ابلاغ به زبان رسمی یا یکی از زبان‌های رسمی کشور درخواست‌شونده یا به زبان قابل فهم برای مخاطب ابلاغ تنظیم و یا ترجمه نشده باشد، او حق خواهد داشت تا از قبول اوراق امتناع کند و در صورت اعمال حق امتناع، ابلاغ بی‌اعتبار خواهد بود.

بی‌اعتباری ابلاغ را از آنجا می‌توان فهمید که در این مقرر به‌صراحت اشاره شده است که پس از امتناع مخاطب از قبول اوراق دادرسی، متقاضی می‌تواند با ارسال مجدد ترجمه اوراق مزبور به زبان مورد فهم مخاطب، ابلاغ بی‌اثر قبلی را معتبر و دارای اثر کند و مقرر شده که در صورت امتناع مخاطب ابلاغ از قبول اوراق دادرسی، تاریخ ابلاغ، تاریخی خواهد بود که در آن اوراق مزبور مجدداً به انضمام نسخه ترجمه‌شده به زبان مورد فهم مخاطب به او ارائه شود؛ یعنی در چنین حالتی تاریخ امتناع مخاطب از قبول اوراق، تاریخ ابلاغ محسوب نخواهد بود و مبدأ محاسبه مواعد و مهلت‌های قانونی و قضایی قرار نخواهد گرفت.

برخی حقوقدانان فرانسوی نیز ضمن به رسمیت شناختن این حق، اعمال آن را از ناحیه مخاطب موجب بی‌اعتباری ابلاغ دانسته‌اند و به باور ایشان می‌توان با ارسال مجدد ترجمه اوراق ردشده، ابلاغ بی‌اثر قبلی را اعتبار بخشید (Guinchard et al., 2023: 1681). بی‌گمان بی‌اعتباری ابلاغ در فرض امتناع مخاطب از قبول، در صورتی است که این امتناع موجه بوده باشد و چنانچه دلیل انکارناپذیری آگاهی او را از زبان دادرسی به اثبات رساند، باید ابلاغ را صحیح دانست، زیرا آنچه نقص تشریفات ابلاغ به‌شمار می‌رود غیرقابل فهم بودن زبان اوراق برای مخاطب است و در فرض عدم ترجمه اوراق به زبان خارجی اگر احراز شود که مخاطب زبان اوراق را می‌فهمد، نقصی متوجه تشریفات ابلاغ نیست.

درباره آیین احراز موجه بودن امتناع مخاطب ابلاغ بین‌المللی هیچ مقرره‌ای در حقوق آیین دادرسی ایران نداریم.

بند ۲۶ مقدمهٔ مقررۀ (UE) ۱۷۸۴/ ۲۰۲۰ پارلمان اروپا و شورای ۲۵ نوامبر ۲۰۲۰ در خصوص ابلاغ اوراق قضایی و فراقضایی در امور مدنی یا تجاری در کشورهای عضو در این خصوص تصریح دارد که در صورت امتناع مخاطب ابلاغ از دریافت اوراق، مرجع رسیدگی‌کننده در خصوص موجه یا غیرموجه بودن امتناع اظهارنظر خواهد کرد و این اظهارنظر به اطلاع مخاطب ابلاغ خواهد رسید و در ادامهٔ همین بند مقرر شده است که دادگاه در مقام احراز موجه بودن امتناع باید تمام اطلاعات، اسناد و دلایل موجود در پرونده را برای تعیین مهارت‌های زبانی مخاطب ابلاغ به کار گیرد و در مقام تشخیص می‌تواند از عناصر واقعی نظیر کشور محل اقامت، مدت اقامت در یک کشور معین، زبان اسنادی که مخاطب پیشتر امضا کند و شغل و حرفهٔ مخاطب بهره گیرد. همچنین طبق مادۀ ۳. ۶. ۵. بخشنامهٔ D3 11-08 DACS ۱۰ نوامبر ۲۰۰۸ مربوط به ابلاغ‌های بین‌المللی اوراق قضایی و فراقضایی در امور مدنی و تجاری مصوب وزارت دادگستری فرانسه^۱، پس از آنکه مخاطب ابلاغ بین‌المللی به دلیل مغایرت زبان از قبول اوراق امتناع کرد و اوراق به شعبهٔ صادرکنندهٔ ابلاغ در کشور درخواست‌کننده اعاده شد، دادگاه با بهره‌گیری از عناصر واقعی موجود، در این باره که امتناع مخاطب موجه بوده است یا خیر تصمیم‌گیری خواهد کرد؛ در صورتی که امتناع مخاطب در نظر دادگاه غیرموجه باشد، ابلاغ صحیح تلقی خواهد شد و گرنه دستور به تکرار ابلاغ پس از انجام تشریفات ترجمه صادر می‌شود.

در ادامهٔ این ماده چنین آمده است در صورتی که ابلاغ بین‌المللی در نتیجهٔ امتناع مخاطب رد شده باشد، رئیس یا مدیر دفتر دادگاه رسیدگی می‌کند و به خواهان اطلاع می‌دهد که دلیل انکارناپذیری مبنی بر آگاهی مخاطب از زبان اوراق ارائه کند تا احراز شود که او با وجود آگاهی از زبان دادگاه، به عمد از قبول اوراق امتناع کرده است.

بدون شک پیروی از آیین‌ها بدون مستند صریح قانونی دشوار است و قانونگذاری در این باره بایسته است، اما تا زمانی قانون ساکت است، آیین فرانسوی که خود با رویهٔ اروپایی همخوان است، دارای مبانی نظری و عملی پذیرفتنی است.

۲.۲. ترجمه پس از احراز موجه بودن امتناع مخاطب

گیرندهٔ ابلاغ می‌تواند به رغم ناآشنایی با زبان، اوراق ابلاغ‌شده را به خواست خود قبول کند، زیرا از بارزترین اوصاف حق، اسقاط‌پذیری است و از آنجا که مهم‌ترین دغدغه در بحث‌های پیرامون

1. Circulaire de la DACS 11-08 D3 du 10 novembre 2008 relative aux notifications internationales des actes judiciaires et extrajudiciaires en matière civile et commerciale

زبان ابلاغ، تضمین حقوق دفاعی مخاطب ابلاغ است، باید ذی‌حق را در اسقاط حق خویش مخیر دانست.

در برخی موافقت‌نامه‌های معاضدت قضایی منعقدۀ میان دولت ایران و سایر دولت‌ها نیز ابلاغ اوراق دادرسی در کشور محل اقامت مخاطب به شرط پذیرش داوطلبانه وی، بدون نیاز به انجام ترجمه امکان‌پذیر دانسته شده است؛ مصادیقی از این را می‌توان در نمونه‌های زیر دید:

ماده ۹ موافقت‌نامه معاضدت قضایی بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری آذربایجان مصوب ۱۳۷۸، ماده ۹ موافقت‌نامه بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت فدراسیون روسیه جهت معاضدت در پرونده‌های مدنی و جزایی مصوب ۱۳۷۸، ماده ۹ معاهده روابط حقوقی و معاضدت قضایی در امور مدنی و کیفری بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت اوکراین مصوب ۱۳۸۵، ماده ۹ موافقت‌نامه معاضدت و روابط قضایی بین دولت جمهوری اسلامی و دولت جمهوری قزاقستان مصوب ۱۳۸۵ و ماده ۸ موافقت‌نامه معاضدت حقوقی در امور مدنی و جزایی بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری قرقیزستان. بنابراین، ترجمه نکردن اوراق دادرسی به زبان قابل فهم برای مخاطب ابلاغ، در اولین مرتبه ارسال اوراق به کشور درخواست‌شونده، مانع انجام ابلاغ نخواهد بود، زیرا در صورت پیوست نبودن ترجمه، انجام ابلاغ به شرط قبول مخاطب امکان‌پذیر است و صرفاً در صورتی که ابلاغ پس از اولین ارسال، به‌صورت موجه توسط مخاطب رد شده باشد و مقام درخواست‌شونده برگه‌های ردشده را عودت داده باشد، انجام ترجمه ضرورت خواهد یافت.

در حقوق آیین دادرسی ایران سازوکار معینی برای ترجمه پیش‌بینی نشده و اداره کل امور حقوقی قوه قضاییه نیز با نظریه زیر گره را نگشوده است:

«در مواردی که ابلاغ دادخواست در خارج از کشور به‌عمل می‌آید این امر وفق ماده ۷۱ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب ۱۳۷۹ به‌وسیله مأموران کنسولی یا سیاسی ایران به‌عمل می‌آید و در خصوص لزوم ترجمه دادخواست و ضامم آن به زبان دیگر در قانون یادشده حکمی مقرر نشده است لذا در فرض سؤال ترجمه دادخواست و ضامم آن به زبان کشوری که خوانده خارجی مقیم آنجا است، از وظایف خواهان نیست مگر آنکه در قوانین راجع به موافقت‌نامه‌های همکاری‌های حقوقی قضایی با دولت متبوع خوانده چنین حکم و الزامی پیش‌بینی شده باشد»^۱.

در این نظریه به این پرسش که آیا ترجمه اوراق به زبان خارجی از وظایف دادگاه است، هیچ پاسخی داده نشده است. در مواد ۱۹ و ۲۰ دستورالعمل ساماندهی و تسریع در فرایند امور قضایی

۱. نظریه شماره ۶۶۲/۱۴۰۰ مورخ ۷/۱۴۰۰/۰۶/۲۴ به شماره پرونده ۶۶۲-۱۲۷-۱۴۰۰ ح

بین‌المللی مصوب رئیس قوه قضاییه در سال ۱۴۰۲ نیز به فرض لزوم ترجمه اشاره‌ای نشده است. استناد به بند «ب» ماده ۲ قانون در خصوص ترجمه اظهارات و اسناد در محاکم و دفاتر رسمی مصوب ۱۳۱۶ نیز مربوط به عکس این فرض است.

در حقوق فرانسه، این تکلیف بر دوش دادگاه است، زیرا در ماده ۶۷۰-۳ کد آیین دادرسی مدنی چنین آمده که مدیر دفتر مرجع قضایی می‌تواند مترجم را جهت ترجمه اوراق برای انجام ابلاغ در کشور خارجی به دادگاه فرا بخواند (به نقل از: محسنی، ۱۳۹۵: ۲۵۸). همچنین برابر ماده ۳۰۶. ۵. بخشنامه DACS 11-08 D3 ۱۰ نوامبر ۲۰۰۸ مربوط به ابلاغ‌های بین‌المللی اوراق قضایی و فراقضایی در امور مدنی و تجاری مصوب وزارت دادگستری فرانسه تکلیف ترجمه اوراق به زبان قابل فهم برای مخاطب ابلاغ، بر عهده دادگاه صادرکننده ابلاغیه قرار گرفته است. در حقوق ایران نیز چنین روشی سودمند است.

در فرضی که مخاطب خارجی ابلاغ، برای پیگیری دعوا در ایران وکیل انتخاب کند، در ابلاغ به وکیل، منطقی‌تر، دیگر ضرورتی بر ترجمه ابلاغیه‌ها و اوراق دادرسی به زبان خارجی وجود نخواهد داشت. علت آن است که امکان آشنا نبودن وکلای دادگستری با زبان فارسی در دادگاه‌های ایران منتفی است، زیرا اولاً طبق ماده ۳۸ قانون آیین دادرسی مدنی، ابلاغ‌های دادگاه به وکیل، مؤثر در حق موکل خواهد بود و ثانیاً بر طبق بند «الف» ماده ۱۰ قانون لایحه استقلال قانون وکلای دادگستری مصوب ۱۳۳۳ اعطای پروانه وکالت دادگستری ایرانی به اتباع خارجه ممنوع است و نیز طبق همین ماده و ماده ۳۳ قانون آیین دادرسی مدنی، وکالت وکلای دارای پروانه وکالت خارجی نیز در محاکم ایرانی قابل پذیرش نیست. با وجود این به حکم ماده ۶۲۶ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، در دادرسی‌های نظامی در صورت تصریح در تعهدات بین‌المللی، امکان وکالت وکلای دارای تابعیت خارجی در مراجع نظامی ایرانی میسر خواهد بود و در چنین حالتی باید اوراق دادرسی را به زبان یا یکی از زبان‌های رسمی کشور محل اقامت وکیل یا زبانی که برای او قابل فهم است ترجمه کرد.

۳.۲. پرداخت هزینه‌های ترجمه

قانون ایران هیچ تصریحی در مورد کیفیت پرداخت دستمزد مترجمان رسمی ندارد و دولت نیز قانوناً هیچ‌گونه تکلیفی را در خصوص پرداخت این‌گونه هزینه‌ها عهده‌دار نیست. از طرفی نیز از ماده ۳۱ آیین‌نامه اجرایی قانون در خصوص ترجمه اظهارات و اسناد چنین برمی‌آید که انجام امر ترجمه توسط مترجم رسمی منوط به پرداخت دستمزد او توسط متقاضی است و مترجم رسمی بدون دریافت دستمزد، تکلیفی برای انجام ترجمه ندارد.

در زمان حکومت قانون آیین دادرسی مدنی ۱۳۱۸، اداره کل حقوقی قوه قضاییه در نظریه مشورتی شماره ۷/۷۸۲۹ مورخ ۱۳۵۶/۰۳/۰۲، پرداخت دستمزد مترجمان رسمی را تابع ماده ۴۵۹ قانون قدیم آیین دادرسی مدنی دانسته بود.

با نسخ ماده مذکور و جایگزینی ماده ۲۵۹ در قانون آیین دادرسی مدنی ۱۳۷۹ و با لحاظ اینکه در وضعیت فعلی مقررات آیین دادرسی، مترجمان رسمی از حیث تشریفات تابع مقررات کارشناسان در قانون آیین دادرسی مدنی هستند (صائب‌کیا، ۱۴۰۳: ۱۰۸)، باید بر این باور بود که پرداخت دستمزد مترجم رسمی بر عهده متقاضی است و او مکلف است هزینه مزبور را در ظرف مهلت هفت روز از تاریخ ابلاغ پرداخت کند.

به نظر می‌رسد ضمانت اجرایی که در ماده ۲۵۹ قانون آیین دادرسی مدنی برای نپرداختن دستمزد کارشناس در مهلت هفت‌روزه قانونی، در فرضی که خواهان از پرداخت هزینه‌های ترجمه جهت ابلاغ دادخواست و پیوست‌های آن امتناع می‌کند، به‌طور دقیق در اینجا قابل اجرا نیست، زیرا ضمانت اجرای خروج سند از عداد دلایل، درباره برگه دادخواست قابل تصور نیست. ابطال دادخواست نیز محل مناقشه است، زیرا ماده ۲۵۹ قانون آیین دادرسی مدنی تصریح می‌دارد که در صورت امتناع خواهان از پرداخت هزینه کارشناسی، اگر امکان رسیدگی و صدور حکم فراهم نباشد، قرار ابطال دادخواست صادر می‌شود. در اینجا به این سبب که مقوله اثباتی در کار نیست و به‌جای آن سخن بر سر رعایت حقوق دفاعی خوانده است که دادگاه نیز در آن مشارکت دارد، چاره‌ساز نخواهد بود. راهکار دیگر، توسل به ضمانت اجرای موضوع مواد ۶۶ و ۵۴ قانون آیین دادرسی مدنی و صدور قرار رد دادخواست است که باید پس از صدور اخطار رفع نقص باشد. ایراد این راهکار آن است که نقص گاه پس از ابلاغ با چالش ابلاغ در خارج کشف می‌شود و از آغاز وجود ندارد. از این رو، نقص دانستن این حالت هم نیاز به تفسیر دارد.

این دیدگاه که پرداخت هزینه‌های ترجمه با متقاضی است، با مقررات بین‌المللی (منطقه‌ای) همسوست؛ برابر بند ۲ ماده ۹ مقرر (UE) ۱۷۸۴/۲۰۲۰ پارلمان اروپا و شورای ۲۵ نوامبر ۲۰۲۰ در مورد ابلاغ اوراق قضایی و فراقضایی در امور مدنی یا تجاری در کشورهای عضو، هزینه‌های ترجمه اوراق به زبان قابل فهم برای مخاطب ابلاغ را، متقاضی متقبل می‌شود. این تکلیف در مقطعی از دادرسی متوجه خواهان یا متقاضی ابلاغ خواهد بود که اوراق دادرسی پس از ارائه به مخاطب در کشور درخواست‌شونده رد شده باشند و مجدداً برای ترجمه به دادگاه صادرکننده دستور ابلاغ، عودت شده باشد.

ماده ۶۸۸-۶ کد آیین دادرسی مدنی فرانسه نیز مقرر می‌دارد در صورتی که ترجمه اوراق محاکم خارجی جهت ابلاغ در فرانسه ضرورت یابد، پرداخت هزینه‌ها بر عهده متقاضی خواهد بود. (به نقل از: محسنی، ۱۳۹۵: ۲۶۴). موضع قانونگذار فرانسه در فرضی که ترجمه برگه‌های دادگاه‌های

فرانسوی در خارج از آن کشور ضرورت دارد متفاوت از حالتی است که در آن ترجمه اوراق دادگاه‌های خارجی جهت ابلاغ در کشور فرانسه لازم است.

در حالت اول به حکم ماده ۹۳-۳ کد آیین دادرسی کیفری فرانسه پرداخت دستمزد مترجم مدعو، بر عهده دولت خواهد بود^۱، حال آنکه در حالت دوم پرداخت هزینه‌ها بر عهده متقاضی است.

به‌طور قطع تحمیل هزینه‌های ترجمه به دولت در حقوق ایران با مانع نبود مستند قانونی مواجه است و اعمال دقیق رویه فرانسوی در حقوق آیین دادرسی ایران به‌سادگی میسر نیست. در ترجمه دادنامه جهت ابلاغ به مخاطب خارجی، نمی‌توان از این روش استفاده کرد، زیرا به‌سبب اینکه پرونده با صدور دادنامه مختومه و فراغ دادرسی محقق شده است، بهره‌گیری از ضمانت اجرایی نظیر ابطال یا رد دادخواست جهت الزام متقاضی به پرداخت هزینه ترجمه دادنامه مقدور نیست.

در این حالت یک راهکار این است که با اصلاح قانون در جهت اتخاذ موضع مشابه قانونگذار فرانسوی قدم برداشته شود و راهکار دومی که به‌نظر می‌رسد آن است که هزینه‌های این‌چنینی در آغاز فرایند دادرسی از خواهان دریافت شود. در هر حال قانونگذاری در اینجا لازم است و ترتیب مقرر در ماده ۲۵۹ قانون آیین دادرسی مدنی مشکل را حل نمی‌کند (صائب‌کبا، ۱۴۰۳: ۱۰۱).

۴.۲. احتمال وقوع اشتباه در ترجمه

ترجمه دقیق حقوقی همواره به عللی نظیر ناکارآمدی و کاستی‌های ابزار ترجمه، کمبود و ناکافی بودن لغتنامه‌ها، دخالت زبان‌های فنی متعدد در شکل‌گیری زبان حقوقی و مغایرت و تفاوت نهادهای حقوقی در زبان مبدأ و مقصد، با موانع بی‌شماری مواجه بوده است و در طول تاریخ، مترجمین حقوقی در امر ترجمه مصون از خطا و اشتباه نبوده‌اند (صدرزاده، ۱۳۹۰: ۸۲).

احتمال بالای وقوع چنین اشتباهاتی در ترجمه، تضمین حق مخاطب ابلاغ بر ارزیابی ترجمه ارائه‌شده به او را از طریق مقایسه با نسخه زبان اصلی موجه می‌کند.

بر همین مبنا در هر دو بند ماده ۸۲ قواعد اروپایی آیین دادرسی مدنی آمده است که علاوه بر ضرورت ارائه اوراق دادرسی به زبان قابل فهم برای مخاطب ابلاغ، ضروری است یک نسخه

1. Article R93-3 du Code de procédure pénale : Les honoraires des médecins et les indemnités des interprètes mentionnés au 9° du II de l'article R. 93 sont liquidés selon les conditions prévues respectivement à l'article R. 117 et à l'article R. 122. Ces frais demeurent à la charge de l'Etat.

از اوراق مزبور به زبان کشور مقرر دادگاه نیز به مخاطب ارائه شود (شایگان، ۱۴۰۲: ۱۱۳). احتمالاً تدوین‌کنندگان اصول آیین دادرسی مدنی فراملی نیز چنین رویکردی را در نظر داشته‌اند، چراکه انضمام نسخه‌ای از اوراق دادرسی به زبان کشور مقرر دادگاه را به نسخ ترجمه‌شده ضروری دانسته‌اند^۱ (غمامی و محسنی، ۱۳۹۶: ۲۸۱ و ۲۶۹) همچنین در بند ۲۵ از مقدمه مقررۀ (UE) ۱۷۸۴/۲۰۲۰ پارلمان اروپا و شورای ۲۵ نوامبر ۲۰۲۰ درباره ابلاغ اوراق قضایی و فراقضایی در امور مدنی یا تجاری در کشورهای عضو نیز به حق به چالش کشیدن ترجمه سند از طریق ارسال ترجمه‌ای از آن به زبان دیگر برای مخاطب اشاره شده است. باید در نظر داشت که در هیچ‌یک از مقررات پیش‌گفته، ضمانت اجرایی برای پیوست نبودن نسخه زبان اصلی برگه‌ها پیش‌بینی نشده است و نبود نسخه زبان اصلی در کنار ترجمه، نمی‌تواند موجب بی‌اعتباری ابلاغ باشد.

نتیجه

ابلاغ‌های بین‌المللی از ایران به کشور بیگانه باید به زبانی انجام شود که مخاطب آن را می‌فهمد. از بین معیارهای تعیین زبان ابلاغ بین‌المللی، معیار آمیخته مناسب‌تر از سایرین است؛ این معیار همزمان واجد وصف دقت و سرعت است و با روح قوانین حاکم بر ابلاغ قضایی سازگاری بیشتری دارد.

قاعده‌ای که از اعمال معیار آمیخته به‌دست می‌آید این است که در ابلاغ‌های بین‌المللی اصولاً باید برگه‌های موضوع ابلاغ را به زبان کشور محل اقامت مخاطب ترجمه کرد، مگر آنکه دلیل انکارناپذیری آگاهی مخاطب از زبان کشور مقرر دادگاه را به اثبات رساند.

مخاطب ابلاغ حق دارد مدعی ناآگاهی از زبان برگه‌های موضوع ابلاغ شود و از قبول اوراق امتناع ورزد و پس از رد ابلاغ، برگه‌ها به دادگاه صادرکننده ابلاغیه در کشور درخواست‌کننده برگشت داده می‌شود. دادگاه صادرکننده ابلاغیه با بهره‌گیری از عناصر واقعی و با توجه به دلایل موجود در پرونده در مورد موجه بودن یا نبودن امتناع مخاطب تصمیم می‌گیرد؛ در حالت اول انجام ترجمه و تکرار ابلاغ ضروری است و در حالت دوم ابلاغ صحیح دانسته می‌شود.

در مقام تصمیم‌گیری درباره موجه بودن امتناع این نکته را باید در نظر داشت که در ابلاغ بین‌المللی، قابل فهم نبودن زبان برگه‌ها برای مخاطب نقص تشریفات ابلاغ به‌شمار می‌رود و

۱. علت تردید در موضع اصول آیین دادرسی مدنی فراملی، تفاوت معنای الفاظ به‌کاربرده‌شده در نسخه انگلیسی و نسخه فرانسوی اصول مزبور است؛ در نسخه انگلیسی در میان زبان کشور مقرر دادگاه و زبان کشور محل اقامت مخاطب ابلاغ لفظ and also به‌کار رفته است و این لفظ معنای «و همچنین» دارد، لکن در نسخه فرانسوی از لفظ ou bien استفاده شده است که معنای «یا» دارد.

اینکه صرفاً اوراق دادرسی به زبان خارجی ترجمه نشده باشد، در فرضی که مخاطب ابلاغ زبان کشور مقرر دادگاه را می‌فهمد، نقص تشریفات ابلاغ و نقض قاعده ابلاغ نیست. انجام تشریفات ترجمه بر دوش دادگاه صادرکننده ابلاغیه است و پرداخت هزینه‌های ترجمه بر دوش متقاضی. بالا بودن احتمال وقوع اشتباه در ترجمه اقتضای آن را دارد که نسخه‌ای از برگه‌ها به زبان آیین دادرسی کشور مقرر دادگاه به همراه ترجمه آنها به زبان قابل فهم برای مخاطب ارسال شود، با وجود این، عدم رعایت این ترتیب موجب بی‌اعتباری ابلاغ بین‌المللی نیست.

بیانیه نبود تعارض منافع

نویسندگان اعلام می‌دارند که تعارض منافع وجود ندارد و تمام مسائل اخلاق در پژوهش را شامل پرهیز از دزدی ادبی، انتشار و یا ارسال بیش از یک بار مقاله، تکرار پژوهش دیگران، داده‌سازی یا جعل داده‌ها، منبع‌سازی و جعل منابع، رضایت ناآگاهانه سوژه یا پژوهش‌شونده، سوء رفتار و غیره، به‌طور کامل رعایت کرده‌اند.

قدردانی

نگارندگان مراتب قدردانی خود را از کوشش پرثمر اعضای محترم هیأت تحریریه و عوامل محترم مجله و زین مطالعات حقوق خصوصی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران ابراز می‌دارند.

منابع

بروجردی عبده، محمد (۱۴۰۱). *اصول محاکمات حقوقی*. به کوشش سید ناصر سلطانی، چ دوم، تهران: شرکت سهامی انتشار.

جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۹۹). *دانشنامه حقوقی*. ج ۱، چ سوم، تهران: گنج دانش.

شمس، عبدالله (۱۳۹۷). *آیین دادرسی مدنی پیشرفته*. ج ۲، چ چهل و یکم، تهران: دراک.

صائب‌کیا، پویا (۱۴۰۳). *زبان دادرسی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، به راهنمایی دکتر حسن محسنی، تهران، دانشگاه تهران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی.

صدرزاده، ماندانا (۱۳۹۰). ترجمه حقوق: چالش‌ها و نظریه‌های معاصر. *مجله پژوهش ادبیات معاصر*

جهان، (۶۲)، ۷۷-۹۱، در: https://jor.ut.ac.ir/article_23666.html

(۱۴ فروردین ۱۴۰۴)

گزارش نشست قضایی با موضوع ابلاغ اوراق قضایی به خارج از کشور: چالش‌ها و راهکارها، ۱۳۹۷، (با حضور مدیر گروه حقوق بین‌الملل پژوهشکده حقوق عمومی و بین‌الملل پژوهشگاه قوه قضاییه،

- معاون اداره دعاوی و حقوق بین‌الملل خصوصی وزارت امور خارجه، معاون اداره سجلات و احوال شخصیه وزارت امور خارجه، سرپرست اداره دعاوی مرکز امور حقوقی بین‌المللی ریاست جمهوری، مدیر کل امور بین‌الملل قوه قضائیه، معاون مدیر کل امور بین‌الملل قوه قضائیه، کارشناس اداره کل تدوین لوایح و مقررات معاونت حقوقی قوه قضائیه، کارشناس اداره کل حقوقی بین‌المللی وزارت امور خارجه، به کوشش عرب اسدی، شیما، پژوهشگاه قوه قضائیه، نسخه اول.
- غمامی، مجید؛ محسنی، حسن (۱۳۹۶). *آیین دادرسی مدنی فرامی. چ چهارم*، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- متین دفتری، احمد (۱۳۹۴). *آیین دادرسی مدنی و بازرگانی. چ پنجم*، تهران: مجد.
- محسنی، حسن (۱۳۹۳ الف). *اداره جریان دادرسی مدنی، بر پایه اصول دادرسی و در چارچوب همکاری. چ سوم*، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- محسنی، حسن (۱۳۹۵). *آیین دادرسی مدنی فرانسه. ج ۱*، چ چهارم، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- محسنی، حسن؛ غمامی، مجید (۱۳۸۵ الف). اصول تضمین‌کننده عملکرد دموکراتیک در دادرسی و اصول مربوط به ویژگی‌های دادرسی. *مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران*، (۷۴)، ۲۶۵-۲۹۶، در: https://jflps.ut.ac.ir/article_25133.html (۱۴ فروردین ۱۴۰۴)
- محسنی، حسن (۱۳۸۵ ب). مفهوم اصول دادرسی و نقش تفسیری آنها و چگونگی تمیز این اصول از تشریفات دادرسی. *مجله کانون وکلا*، ۹۹-۱۳۱، (۱۹۲ و ۱۹۳) در: [https://ensani.ir/file/download/article/20110208091937-\(2351\). pdf](https://ensani.ir/file/download/article/20110208091937-(2351).pdf) (۱۷ اردیبهشت ۱۴۰۴)
- محسنی، حسن (۱۳۹۳ ب). نقص شکلی و نقص ماهوی در دادرسی مدنی. *فصلنامه پژوهش حقوق خصوصی*، (۶)۲، ۱۳۹-۱۵۹، در: https://jplr.atu.ac.ir/article_657_6f024fe2db2e4c91e000fa3ba7d61021.pdf (۱۷ اردیبهشت ۱۴۰۴)
- محسنی، حسن (۱۳۹۶). ضرورت الحاق ایران به معاهده آیین دادرسی مدنی. *مجله کانون وکلای دادگستری*، ۶۹ (۲۳۷)، ۹۱-۱۰۷.
- محسنی، حسن (۱۳۹۷). چالش‌های ابلاغ (سنتی، الکترونیک، سابقه و زبان). *فصلنامه مطالعات حقوق خصوصی*، (۲)۴۸، ۳۲۱-۳۴۱، در: https://jlq.ut.ac.ir/article_66737.html (۲۷ اردیبهشت ۱۴۰۴)
- نهرینی، فریدون (۱۳۹۸). *آیین دادرسی مدنی. ج ۲*، چ اول، تهران: گنج دانش.
- مؤسسه حقوق اروپا (۱۴۰۲). *قواعد اروپایی آیین دادرسی مدنی. ترجمه اسماعیل شایگان*، چ اول، تهران: شرکت سهامی انتشار.

Reference

- Arab Asadi, S. (2018). Report of the Judicial Meeting on the Subject of Serving Judicial Documents Abroad: Challenges and Solutions. *Judiciary Research Institute*. First Edition. [In Persian]
- Boroujerdi Abdoh, M. (2022). *Principles of Legal Trials*. edited by Seyyed Nasser Soltani, Sherkat-e Sahami-e Enteshar. [In Persian]
- Ghamami, M., & Mohseni, H. (2017). *Transnational Civil Procedure*. Sherkat-e Sahami-e Enteshar. [In Persian]
- Institute of European Law (2023). *European Rules of Civil Procedure*. translated by Shaygan, Esmail, Sherkat-e Sahami-e Enteshar. [In Persian]
- Jafari Langroodi, M. J. (2019). *Legal Encyclopedia*. Vol. 1, Ganj-e Danesh. [In Persian]
- Matin Daftari, A. (2015). *Civil and Commercial Procedure*, Majd. [In Persian]
- Mohseni, H. (2016). *Code de Procédure Civile Français*. Vol. 1, Sherkat-e Sahami-e Enteshar. [In Persian]
- Mohseni, H., & Ghamami, M. (2006a). Principles guaranteeing democratic performance in proceedings and principles related to the characteristics of civil proceedings. *Journal of the Faculty of Law and Political Science, University of Tehran*, 265-296 No. 74.
in https://jflps.ut.ac.ir/article_25133.html. [In Persian]
- Mohseni, H. (2006b). The concept of procedural principles and their interpretative role and how to distinguish these principles from procedural formalities. *Journal of the Iranian Bar Association*, (192 and 193), 99-131. in
[https://ensani.ir/file/download/article/20110208091937-\(2351\).pdf](https://ensani.ir/file/download/article/20110208091937-(2351).pdf). [In Persian]
- Mohseni, H. (2014b). Formal and substantive defects in civil proceedings. *Quarterly Journal of Private Law Research*, 2(6), 139-159. In https://jplr.atu.ac.ir/article_657_6f024fe2db2e4c91e000fa3ba7d61021.pdf. [In Persian]
- Mohseni, H. (2017). The Necessity of Iran's Accession to the Civil Procedure Convention. *Journal of the Iranian Bar Association*, 69(237), 91-107. [In Persian]
- Mohseni, H. (2018). Challenges of the Notification Traditional, Electronic, Recent Place and Language. *Quarterly Journal of Private Law Research*, 48(2), 321-341. In https://jlq.ut.ac.ir/article_66737.html. [In Persian]
- Sadrzadeh, M. (2011). Legal Translation: Contemporary Challenges and Theories. *Journal of Contemporary World Literature Research*, (62), 77-91. in https://jor.ut.ac.ir/article_23666.html. [In Persian]

- SaebKia, P. (2024). The Language of the Trial, Master's Thesis, supervised by Dr. Hassan Mohseni, Tehran, University of Tehran, Faculty of Law and Political Science. [In Persian]
- Serge Guinchard, Frédérique Ferrand, Cécile Chainais, Lucie Mayer, (2023). *Procédure Civile*, Paris: Dalloz.
- Shams, A. (2018). *Civil Procedure*. Vol. 2, Derak [In Persian]
- Nahreini, F. (2019). *Civil Procedure*, Vol. 2, Ganj-e Danesh. [In Persian]
- Nicolas Cayrol (2022). *Procédure Civile*. Paris: Dalloz.